

# هو الله - ای سرگشته و سودائی آیا وقتی آید که در شرق...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۹۴

هو الله

ای سرگشته و سودائی آیا وقتی آید که در شرق و غرب مشهور به شیدائی گردی و رسوای عالم شوی و بی نام و نشان بین بنی آدم یعنی بکلی دل و جان فدای جانان کنی و از خاندان و دودمان و سر و سامان بگذری. اگر بدانی این مقام چه قدر عزیز است و این مائده چه قدر لذیذ البته از هر چیز بگذری و جام لبریز به دست گیری و شور و شمع انگیزی و مشک و عنبر بیزی. ایام انسان را گننام نماید. ملاحظه نما که مشاهیر انام و ملوک بنام در زاویه نسیان خزیدند و لا تسمع لهم صوتاً و لا رکراً. با وجود این دیگر از برای من و تو چه بقائی و چه درمانی و چه هستی و چه خودپرستی. مجنون عالم آناند که با وجودی که می بینند کوراند و می شنوند کراند الجنون فنون. باری اگر هوشیاری به کوی دیوانه‌ها پی بر و اگر عاقلی در آشیانه مجنونان محلّ گزین یعنی از شئون این عالم دیوانه و بیگانه باش و به نفحات قدس آشنا و دانا و عاقل بیهمتا. بیخبر از این عالم شو از آن جهان خبر گیر. بیهوش این خاکدان گرد و هوشیار جهان جاودان شو. بر قدم آزادگان حرکت کن و پی بزرگواران گیر. خود را آزاد کن و از هر قیدی رها نما تا ستاره آسمان گردی و مه تابان شوی و از خسوف و از کسوف این جهان رهائی یابی. آنچه کنی و بنمائی و بکوشی و بجوشی و بخروشی مانند پیشینیان گردی یعنی هیچ اثری و ثمری باقی و برقرار نماند مگر سرگشته آن دلبر گردی و مشتاق آن ماه انور شوی. ره عاشقان گیری و در پی مشتاقان دوی. آه جانسوزی برآری و آن کشور را به نار محبت الله بسوزی. اینست نصیحت من، ان شئت فاقبل و ان شئت فاترك انّ ربّي لغنيّ عن العالمين و عليك التّحيّة و التّناء. ع ع



ORIGINAL



AUDIO